

بسم الله الرحمن الرحيم

اصول و روش‌ها

دورنمایی مباحث تربیت خانوادگی

ما اگر بخواهیم دورنمایی از مجموعه مباحث تربیت خانوادگی ارائه کنیم باید این طور عرض کنیم:

یک. مباحث عمومی

الف. مبانی تربیت خانوادگی

که یک فصل ابتدایی و نخست این مبحث یک بحث فرا فقهی و مبنایی می‌شود که مبانی است که همین بحث‌هایی که امسال چند جلسه گفتیم در فصل مبانی قرار می‌گیرد و بعد بایستی ما بپردازیم.

ب. اهداف تربیت خانوادگی

احیاناً بحث اهداف را هم می‌شود آن جا مطرح کرد، مبادی اهداف می‌آید که از آن بحث‌های اواخر امسال و بعضی بحث‌های قبلی می‌شود استفاده کرد و این دو فصل را سامان داد.

دو. مباحث ساختی

بعد از آن ما علی القاعده باید در ساخت‌ها بیاییم و در ابتدای ساخت‌ها بگوییم که یک قواعد و ادله عامه داریم که بر همه آن‌ها سایه می‌افکند.

اصول و اهداف ساخت تربیت خانوادگی

بعد بر اساس آن به ساخت‌ها وارد شویم که حدود ده ساخت را ما در تربیت خانوادگی برشمردیم. در واقع در هر ساختی اصول و روش‌ها و اهدافی که دارد قرار دهیم و بحث کنیم.

بنابراین یک بحث مبنایی و اهداف عام داریم و یکی هم بحث قواعد عامه ای داریم که بر کل این‌ها حاکم است و احیاناً اصول و روش‌های عام و باید این طور تنظیم شود که بگوییم تربیت خانوادگی یک بار از نگاه کلی نسبت به همه

ساحت‌ها و بگوئیم مبانی این بحث چیست و اهداف چیست، اصول عام و روش‌های عام چیست که این یک فصل می‌شود یعنی تربیت خانوادگی از منظر عمومی و کلان؛ و بعد بگوئیم تربیت خانوادگی از منظر ساحت و از ساحت اعتقادی و عبادی بگیریم و تا آن ده ساحت بحث کنیم و در هر ساحتی هم طبعاً همین طور است یعنی مبانی و اهداف و اصول و روش‌ها چیست. این تقریباً می‌شود الگویی که اگر کسانی می‌خواهند کار تنظیمی را شروع کنند به نظر در بحث تربیت خانوادگی این الگو شاید الگوی مناسبی باشد که از اول باید دو بخش کنیم، یک منظر عام در باب تربیت خانوادگی که نگاه خاص به این ساحت و آن ساحت نداریم، این جا نگاه اسلام چیست، هدف‌ها چیست، اصول کلان چیست، قواعد عامه چیست، روش‌ها چیست و یک بحث هم در منظر دوم منظر ساحتی است.

اصول و روش‌ها تربیتی

ما امسال در واقع با نظم معینی پیش نرفتیم، بحث‌های سابق ما انتظامی داشت که مقدمات را ذکر کردیم و بعد هم ساحت‌ها را بحث کردیم امسال در واقع یک استدراک‌هایی بود که برمی‌گشت به این که ما در مبانی قواعد کلی یک مقدار تکمیل کردیم، بعضی از روش‌ها را هم در این جا بحث کردیم که روش‌ها جنبه عمومی هم داشت مثلاً تبعیض که بحث کردیم. امروز هم تکمیلی است نسبت به بعضی از روش‌ها و شیوه‌های تربیتی که به نحوی ممکن است بگوئیم یک نوع روش عاطفی است ولی شاید هم از روش‌های عام به حساب بیاید.

اصل «رفق و مدارا»

بحث جدیدی می‌خواهیم طرح کنیم، توزیع روش‌ها، یک بحثی راجع به تبعیض و تفاوت داشتیم، الان یک بحث دیگری راجع به رفق و مدارا و امثال این‌ها داریم که دو سه نکته در این روایت است که عرض می‌کنیم، پس این یک بحث جدیدی است، روش‌هایی مانند رفق و مدارا یا اصولی مثل رعایت توان و ظرفیت بچه، چون این دو سه مطلب در یک روایت آمده است ما در این جا باهم ذکر می‌کنیم. یک قاعده و اصل مهم در این که رعایت توان، توان و ظرفیت‌های بچه‌ها است و یکی هم بر اساس این رفق و مدارا و امثال این‌ها است که این دو بحث در یک روایاتی آمده است و الان هر دو را بحث می‌کنیم. بحث امروز در مورد اصل یا روش رعایت ظرفیت‌ها است و یا روش رفق و مدارا است. و یا مسئله «تزوئج اذا بلغ» این چند مطلب که باقی مانده‌اند را با مراجعه به ادله بررسی می‌کنیم. بحث‌های «روش رعایت ظرفیت‌ها و عدم تحمیل مافوق ظرفیت‌ها» و «روش رفق و مدارا» هر دو در اصول و روش‌های تربیت عام اسلامی مورد توجه است مثل تکلم الناس علی قدر عقولهم و مانند این‌ها ولی در فضای تربیت خانوادگی هم به طور

خاص این‌ها مورد توجه قرار گرفته است و در این بحث‌های جدید هم تحقیقات نشان می‌دهد که این‌ها مهم است و طبعاً در متون ما به صورت خیلی واضح این‌ها آمده است که ملاً حفظه می‌کنید، مستندی که برای بحث رعایت ظرفیت‌ها و طاقات و استعدادها و ظرفیت‌های فرزند و همین طور روش رفق و مدارا هر دو در یک روایت آمده است که می‌خواهیم بررسی کنیم.

ادله روایی

این روایت را شاید قبلاً به مناسبت دیگری هم خواندیم و در این جا به مناسبت‌های دیگری بحث خواهیم کرد که در جلد ۱۸ کتاب نکاح، ابواب و احکام اولاد باب ۸۶ آمده است که این روایاتی است که در این جا آمده است و همین طور جلد ۱۰۴ بحار الانوار، ابواب و احکام اولاد آن که البته چیز زیادی فراتر از این ندارد که این‌ها منابع اصلی در تربیت خانوادگی است که هر کس خواست شروع کند باید این‌ها را محور قرار دهد یعنی در واقع ده پانزده آیه ای که بحث کردیم این‌ها خطوط اصلی قرآنی‌اش است و مجموعه روایاتی که در ابواب و احکام اولاد آمده است، چه در رسائل یا مستدرک و چه در بحار آمده است.

روایت «یونس ابن رباط»

در باب ۸۶ ابواب و احکام اولاد حدیث ۸ آمده است که وَ أَنْ عِنْدَهُ مِنْ اصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوب عن العلی ابن الحسن ابن رباط عن یونس ابن رباط عن ابی عبدالله قال، امام صادق از پیامبر اکرم نقل می‌کند که فرمودند که «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَي بَرٍّ»، این جمله یک قاعده است و این یک اصل بسیار مهم در تفکر اسلامی در تربیت خانوادگی است که قبلاً هم این را چند بار توضیح دادم و باز هم تأکید می‌کنم، این جمله ای که در این روایت آمده است از غرر روایات است یعنی مثل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ» است که عموم داشت و ما حدود بیست سی مطلب از آیه در آوردیم و بعد در هر ساحتی به یک جایی می‌رسیدیم این آیه به یک شکلی دخیل بود یا مثلاً آیه مضاره که این آیات از غرر آیات است. در روایات تربیت خانوادگی هم از عوائد عامه بسیار مهمش همان رساله حقوق است که خیلی جمله‌های بلندی داشت که از سر و رویش مطلب می‌بارید و یا آن‌هایی است که در آن‌ها کلمه تأدیپ آمده است و یا آن‌هایی است که احسان و اکرام آمده است.

۱ - وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۱.

سند روایت

این روایت از نظر سند معتبر است و علی ابن حسن ابن رباط و یونس ابن رباط همه توثیق شده‌اند و در نجاشی و شیخ توثیق شده‌اند و توثیق خاص دارند و لذا سند این روایت معتبر است و از کافی نقل شده است.

قاعده «أعان وَّ لَدَهُ عَلِيٌّ بِلَّيْهٍ»

یکی از آن قواعد مهم و شاه کلیدهای تربیت خانوادگی این «أَعَانَ وَ لَدَهُ عَلِيٌّ بِرِّهٍ» است که هم در این روایت که معتبر است آمده است و در چند روایت دیگر هم آمده است، در هفت هشت روایت آمده است که می‌گوید رَحِمَ اللهُ مَنْ أَعَانَ وَ لَدَهُ عَلِيٌّ بِلَّيْهٍ، درود خدا بر کسی که کمک کند به فرزند تا این فرزند به پدرش بر و نیکی بورزد، می‌گفتیم یک أَعَانَ عَلِيٌّ الْبِرُّ دَارِيْمُ که آن قاعده عامه است، این جا این قاعده عامه روی این آمده است که کمکش کنی تا بر به خودت بکنند یعنی به خودت برمی‌گردد، بر فرزند به پدر و مادر چه قدر ثواب دارد، یکی از چیزهایی است که خیلی کم نظیر است از نظر ثواباتی که مترتب بر بر به پدر و مادر است. این جا می‌گوید رَحِمَ اللهُ مَنْ أَعَانَ یعنی شما هر کاری بکنید که او به شما نیکی کند که این خودش یک اصل است و مستحب مؤکد است و در حد وجوب نیست و یک مستحب مؤکدی است که هر اقدامی که شما بکنید برای این که او نیکی کند، یعنی یادش بدهی و تربیتش بکنی، وسائل آماده کنی و هر کاری بکنی که رابطه او با تو خوب باشد و به تو نیکی بورزد که این ثواب دارد و مستقیم مورد توجه قرار گرفته است نه به عنوان مطلق أَعَانَ بر بر.

أَعَانَ عَلِيٌّ الْبِرُّ دَرِ الْقُرْآنِ

در آن آیه می‌گوید کمک کنی بر علی البرُّ و التَّقْوَى یعنی افراد کار خوب انجام بدهند، البته در آن جا هم یکی از برها این است که او به شما کمک کند که آن هم بر است و این مشمول آن آیه هم هست منتها یک قسمش است، اما این روایت می‌گوید نه این که کمکش کنی یک کار خوب انجام دهد بلکه کمکش کنی تا به تو نیکی بورزد که این به طور خاص در این روایات مقصود است.

متعلق برِّ در «أَعَانَ وَ لَدَهُ عَلِيٌّ بِلَّيْهٍ»

این اصلاً قرینه نمی‌خواهد چون خود این قرینه داخلی دارد، علی برِّه یعنی علی برِّ والده، قرائن دیگری هم داریم ولی خود این جمله کمکش می‌کند که برِّه بکنند یعنی او بار است و مبرور ضمیر است، برِّه مفعولش است، این ضمیر مفعول که متعلق برِّه است چه کسی است؟ دیگران که در این جا نیست، خود ولد هم که نمی‌شود، بلکه یعنی برِّه بوالده؛ یعنی نیکی کردن والدش، برِّه، علی البرِّ ندارد، علی برِّه، ضمیر هم مفعول است و بر غیر یا خودش مقصود نیست و برِّه

والده مقصود است، این نکته خیلی مهمی است ولو این که حکم الزامی نیست و استحبابی است ولی می‌گوید هر کاری می‌توانی بکنی که او با تو خوب باشد که این خیلی جمله مهمی است، این موجب رحمت و رضوان الهی است و رَحِمَ اللهُ مَنْ أَعَانَ وَوَدَّهَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. عین این مطلب در چند جای دیگری هم آمده است.

«أعان بر اثم» توسط والدین

بر عکس این را هم داریم و حتی می‌گوید گاهی پدر و مادر هم نوعی عقوق نسبت به فرزند دارند. اگر کاری کند که او عاق خودش شود و روش‌هایی انتخاب می‌کند که روابط فرزند چنان با او بد می‌شود که عاق می‌شود که این أَعَانَ بر اثم می‌شود، این به طور خاص در روایت نیامده است ولی چون ما أَعَانَ بر اثم را حرام می‌دانستیم، بر خلاف آقای خوبی و آقای تبریزی و...، طبعاً مشمول این بحث می‌تواند باشد و هست و لذا این دو قاعده است که یکی تصریح شده است و یکی هم طبق قواعد است، اگر به برّ به عنوان قاعده أَعَانَ بر برّ کمک کند شامل این جا هم می‌شود، اما اگر کمک کند به این که او به خود والدش برّ بورزد برای این دلیل خاص داریم و استحباب مؤکد است و خیلی فراتر از قاعده عام است. یک قاعده هم داریم و این است که أَعَانَ بر اثم او که به طور عام آن هم قاعده کلی است و ما می‌گوییم حرام است، اگر أَعَانَ بر اثم او نسبت به خودش، این را به طور خاص نداریم ولی طبق قواعد عامه این هم حرام است، این یک بحث بسیار مهمی است که کم و بیش قبلاً هم گفته بودم و در این جا هم در این روایت آمده است، رَحِمَ اللهُ مَنْ أَعَانَ وَوَدَّهَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ که این را قبلاً هم گفته بودیم. ما که می‌گوییم أَعَانَ بر اثم حرام است ولی می‌گوییم حتی اگر کسی بگوید أَعَانَ بر اثم حرام نیست این روایت می‌گوید واجب است کاری کنی که این کار نشود یعنی دلیل خاص دارد. ما عموماً را قائلیم ولی می‌گوییم اگر کسی عام هم قائل نباشد کاری باید بکند که او عاق نشود طبعاً هر کار خلافش و نهی از ضدش حرمت طبعی دارد ولی اصلش وجوب بر کاری است که او عاق نشود.

چگونگی «أعان و وَدَّهَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

اما در این روایت یک ذیلی دارد و آن این است که این جمله را امام صادق از پیغمبر نقل کرده است و بعد یونس ابن رباط می‌گوید قُلْتُ كَيْفَ يَعْنِيهِ عَلِيٌّ بِرِّهِ كَمَا فِي هَذِهِ الْأَمْرَةِ؟ در روایت داریم که امام از پیغمبر نقل می‌کند و بعد راوی راجع به آن فرمایش پیامبر بزرگوار سئوالی از امام می‌کند که در این جا از همین نمونه است که می‌گوید از ایشان سئوال کردم «كَيْفَ يَعْنِيهِ عَلِيٌّ بِرِّهِ؟»

رفق و مدارا با فرزندان

امام صادق می‌فرماید «قَبْلُ مِيسُورَه»، چهار جمله در این جا آمده است، يَقْبَلُ مِيسُورَه، میسور یعنی چیزی که مقدور او است، هر چه در قدرتش است همان را از او بپذیرد، «وَيَتَجَاوَزُ عَن مِعْسُورَه»، چیزی را نمی‌تواند از او توقع نداشته باشد و تا حدی که می‌تواند از او بپذیرد یعنی انتظار و توقع و اقدام و مطالبه او در حد مقدورات فرزندش است، چیزی که فراتر از قدرت و توان او باشد از او مطالبه نمی‌کند و در حد توان و مقدورات او از او مطالبه می‌کند، «وَلَا يُرْهِقُهُ وَلَا يَخْرِقُ بِهِ»، لَا يُرْهِقُهُ یعنی لَا يَحْمِلُهُ فَوْق طَاقَتِهِ، یعنی فوق طاقت بر او حمل نمی‌کند، وَلَا يَخْرِقُ بِهِ، خرق همان دهشت و وحشت و رعب است و ضد رفق است، خَرَقَ بِهِ یعنی او را نترساند و با رفق و مدارا با او رفتار کند و او را به ترس و وحشت نیاندازد. او که می‌گوید چگونه يُعِينُهُ عَلَي بَرِّهِ؟ حضرت می‌فرماید که مصداقش این است، یعنی اندازه ای که می‌تواند از او توقع داشته باشد و از او مطالبه کند و بیش از آن چه که می‌تواند از او نخواهد و بر او تحمیل نکند و او را به رعب و وحشت نیاندازد یعنی با خشونت و وحشت و رعب نخواهد او را هدایت کند و راهنمایی کند و چیزهایی را بر او تحمیل کند؛ و بعد می‌فرماید «وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ يَدْخُلَ فِي حَدِّ مَنْ حُدِّدَ الْكُفْرَ إِلَيْهِ أَنْ يَدْخُلَ فِي عَقُوقِ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ»، توجه داشته باشد که میان این بچه و ورود در حدود کفر چیزی نیست جز این که عاق شما شود یا قطع رحم کند، یعنی همین بچه با بد رفتاری شما عاق می‌شود و عاق فی حدود الکفر است، یعنی حضرت می‌خواهد بگوید که این که ما بر این رفق و مدارا تأکید می‌کنیم و این که به قدر توان از او مطالبه کند و تکلیف به او بدهد، این به خاطر این است که اگر کمی بد رفتاری کنیم در حد عاق قرار می‌گیرد که فی حد الکفر است. تا این جا ذیل فرمایش پیامبر از ناحیه امام صادق بود و بعد ادامه می‌دهد که حضرت فرمودند «الْجَنَّةُ طَيِّبَةٌ طَيِّبَهَا اللَّهُ وَ طَيِّبَ رِيحَهَا يُوجَدُ رِيحَهَا مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِي عَامٍ وَ لَا يَجِدُ رِيحَ الْجَنَّةِ عَاقٌ وَ لَا قَاطِعُ رَحِمٍ وَ لَا مُرْخِي الْأِزَارِ خِيَلَاءُ»^۲ که می‌گوید بهشت که این قدر خوشبو است و شرق و غرب عالم بوی خوش آن را می‌گیرند، این بوی خوش به مشام کسی که عاق باشد نمی‌رسد، این هم روایتی است که خیلی نورانی و جالب است و از غرر روایات تربیت خانوادگی است.

نکات قابل توجه در روایت

در این روایت شریفه بعد از فراق از بحث سندی مباحث دلالتی دارد که چند نکته را عرض می‌کنم:

یک. تأکید روایت بر «أعان بر بر»

یک نکته این که در واقع این مصداقی از قاعده أعان بر بر است ولی این مصداق به طور ویژه بر آن تأکید شده است.

^۲ - همان.

دو. دلالت روایت

نکته دوم هم این که آیا این روایت شریفه مفید حکم رجحانی و استحبابی است یا فراتر از آن می‌شود الزامی هم از آن استفاده کرد؟

احتمال اول: دلالت بر استحباب

در پاسخ به این سؤال جواب و احتمال اول این است که بگوییم این دلالت بر استحباب می‌کند و این جمله **رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَى بَلَاءِ عَلِيٍّ** طلب رحمت و رضوان است و امر و نهی در این جا نیست و یک دعایی برای او کرده است و دعا هم این است که رحمت و رضوان خدا را برای او مطالبه کرده است و یک اثر معنوی را برای او ذکر کرده است، این نوع آثار معنوی وقتی که نسبت به فعلی به صورت اخبار بیان شود گفته می‌شود که خدا رحم می‌کند یا به صورت دعا نوعاً بگوید خدا رحم کند که هیچ فرقی نمی‌کند، چه اخبار از یک اثر معنوی بشود و یا به صورت دعا انشا شود، این مفید رجحان شرعی است منتها بیش از رجحان را نمی‌رساند، طبق همین بحث‌هایی که قبلاً هم عرض کردیم. پس اولاً تا این جا **رَحِمَ اللَّهُ** بیش از رجحان را نمی‌رساند و ثانیاً این که بعدش هم که بگوید **أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَى بَلَاءِ عَلِيٍّ** آن بر مطلق است و همه نیکی‌هایی است که بچه انجام می‌دهد و همه نیکی‌هایی هم که فرزند به پدر و مادر انجام می‌دهد واجب نیست و خیلی چیزها مستحب است، این هم چون اطلاق دارد ظاهرش این است که این طرف هم کمک به مستحب بعید است که بگوییم واجب است و لذا این هم مستحب است؛ یعنی دو قرینه در این جا وجود دارد، پس یکی **رَحِمَ اللَّهُ** دارد که بیش از رجحان نمی‌رساند و یکی هم این است که بر مطلق است و بسیاری از مصادیقش مستحب است و **أَعَانَ** بر این که مستحبی انجام دهد خودش مستحب است یعنی **أَعَانَ** بر مستحب واجب نیست.

احتمال دوم: دلالت بر الزام

ممکن است کسی بگوید که اگر ما بودیم و صدر روایت در این حد یعنی **«رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَى بَلَاءِ عَلِيٍّ»** همین را می‌گفتیم، اما بعد که بیابیم اولاً دارد که **«كَيْفَ يُعِينُهُ عَلِيٌّ بَرَّهُ؟»** می‌گوید: **«يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يُرْهَقُهُ وَلَا يَخْرِقُ بِهِ»**، خلاف این‌ها عمل کردن یعنی این که فوق حد توانش را حمل کند یا با رعب و وحشت با او رفتار کند، آن مقابل این بحث است. بعد هم مهم تر این است که بعد می‌فرماید **«وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَنْ يَدْخُلَ فِي حَدِّ مَنْ حُدُودِ الْكُفْرِ إِلَى أَنْ يَدْخُلَ فِي عَقُوقِ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ»**، یعنی می‌گوید اگر این طور عمل نکنیم به سمت عقوق می‌رود، اگر این طور باشد با این قرائن ممکن است بگوییم که این **«رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَى بَلَاءِ عَلِيٍّ»** در واقع می‌خواهد یک حکم الزامی بگوید یعنی آن روش‌هایی که مانع از عقوق او می‌شود، این الزام است یعنی باید این کار را بکنی، آن شیوه‌هایی که موجب می‌شود او به تو نیکی بورزد در آن جایی که شیوه‌ها مانع از عقوق می‌شود این شاید الزام باشد

یعنی از خود روایت هم شاید بگوییم می‌شود الزام استفاده کرد، اگر این قرینه را بپذیریم بعید نیست به آن نکته برسیم که بگوییم رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَوَدَّهَ عَلِيُّ بَلَّاهِ یک تکلیف عامی است که در آن محدوده ای که موجب می‌شود او مبتلای به عقوق نشود در آن محدوده الزامی است و باید آن طور رفتار کنیم.

احتمال سوم: تفصیل در حکم (وجوب و استحباب)

فراتر از آن نیکی‌هایی که اگر هم نکند عاق نمی‌شود، آن‌ها استحباب دارد. اگر صدر و ذیلش را باهم جمع کنیم بعید نیست بگوییم در این جا قرینه ای وجود دارد بر این که بعد می‌گوید عقوق و... و به پدر هم ربط می‌دهد و می‌گوید تو باید کاری کنی که به آن جا نکشد، می‌گوییم این در آن حدی که اگر شما این روش را به کار نبرید موجب عقوق او می‌شود در این جا واجب است که این روش را به کار ببری اما در آن جایی که موجب عقوق نمی‌شود ولی نیکی نمی‌ورزد و اگر این روش را بکنی او نیکی بیشتری به تو می‌ورزد، این رجحان دارد و استحباب دارد. این هم یک مطلب است که این مطلب خیلی مهم و جدی و جدید و اساسی بود.

پس بنابراین یک احتمال این است که بگوییم این روایت فقط رجحان را می‌گوید. یک احتمال این است که بگوییم با قرینه ذیل وجوب را می‌گوید در آن محدوده ای که اگر انجام ندهد عقوق می‌آید. یک احتمال هم این است که بگوییم این در معنای عام به کار رفته است و با قرینه ذیل در آن جاهایی که موجب عقوق شود می‌گوییم در آن جا حرمت را می‌گوید.

سه. عدم حصر در روش

مطلب سوم در این حدیث شریف مصادیق فرمایش پیامبر اکرم از ناحیه امام صادق است، یک سئوالی وجود دارد که آیا حصر در این است یا حصر در این نیست؟ به نظر می‌آید که ما وجهی برای حصر نداریم، پیامبر فرمود «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَوَدَّهَ عَلِيُّ بَلَّاهِ»، از امام سئوال می‌کند که چگونه؟ حضرت می‌فرمایند که به این شکل. چیزی ندارد در این که چیزی غیر از این نیست.

کلام امام در این روایت اطلاق مقامی است و هیچ وقت نمی‌توانیم بگوییم جمله ای که امام می‌گوید در صدد این است که هر چه مربوط به این است بگوید که اگر آن طور باشد اطلاق مقامی است. یک جایی در فقه داریم که مثلاً حریض وقتی نماز خواند امام فرمود که چقدر زشت است کسی که به سن ۶۰ رسیده، با این همه علم این گونه نماز بخواند؛ که سئوال می‌کنند پس باید چگونه بخواند که حضرت شرایط نماز را ذکر می‌کند، در آن جا می‌گوییم امام در مقام این است که هر چه مربوط به نماز است را بگوید ولی در این جا این طور نیست. اگر کسی با فقه مأنوس باشد

می‌داند که هیچ روایتی در صدد این نیست که هر چه مربوط به مطلب است را می‌خواهد بگوید بلکه در هر جایی از یک زاویه ای مطلب را می‌گوید.

اگر کسی «يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَ يَتَجَاوِزُ عَنْ مَعْسُورِهِ» را دارد ولو این که برایش کتاب تهیه کند یا مدرسه ببرد و... همه این‌ها اغان علی بره است ولی هیچ کدام در این جا نیامده است. پس وقتی سؤال می‌کند نه این که همه چیز را بداند بلکه می‌گوید یک مصداقی بیان کن و حضرت این را می‌فرماید، والا درسش می‌دهد و او را به مدرسه می‌برد، کتاب برایش تهیه می‌کند و امثال این‌ها، در این جا هیچ ادات و قرینه حصری وجود ندارد. سؤال می‌کند که چگونه می‌تواند کمکش کند و امام مصداق‌هایی را ذکر می‌کند والا هیچ وقت در این جا حصر نکرده است و در خود روایت هم انواع و اقسام روش‌های دیگر آمده است که یکی تبعیض و عدم تبعیض است، چون گاهی ممکن است تبعیض موجب این شود که او در عقود قرار بگیرد و بر نوزد.

چهار. «أغان وکده علی بلیه» قبل از تولد

بحث چهارم این است که آیا اغان وکده علی بلیه قبل از تولد را هم می‌گیرد؟ به نظر می‌آید که شامل نمی‌شود چون ظاهرش این است که اغان وکده یعنی قبل از تولد را شامل می‌شود ولی قبل از انعقاد نطفه را شامل نمی‌شود بلکه از آن وقتی که صدق ولد کند شامل می‌شود. این در این جا مبتنی بر یک نکته دیگری است و آن این که اغان وکده ولدی که فعلیت دارد ظاهرش این است که وکده یعنی وقتی که اغان می‌کند اغان وکده، نه اغان کسی که یصبح ولد له بعد. اغان وکده یعنی وقتی که این بچه‌اش است اما در ازدواجش و در مسائلی که دقت‌های لازم را می‌کند می‌گویند «اغان وکده علی بلیه».

پس اظهر این است که آن را شامل می‌شود والا استعمالش غلط نیست و می‌گوید این کاری که الان می‌کند این یعیین وکده که صوف یرد بعد سنتین که می‌شود و غلط نیست ولی خلاف ظاهر است و ظهورش این است که اغان با ولد فعلی یک نوع همزمانی دارند. آن «يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَ يَتَجَاوِزُ عَنْ مَعْسُورِهِ» کاملاً همین طور است و این‌ها مال وقتی است که او به یک درجه ای از تمیز هم رسیده است ولی آن اغان وکده علی بلیه چون گفتیم حصر نمی‌کند آن جمله می‌تواند شمول داشته باشد وقتی که صدق ولد کند. اگر حصر بود مقید در همین چارچوب می‌شد ولی هرگز حصری در این نیست.

و صلی‌الله علی محمد و آل محمد